

فصل نامه جُندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴

## رابطه حزب پان ایرانیست با احزاب سومکا و توده تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

پریسا نوروژی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۱۰

### چکیده

حزب پان ایرانیست در دوره فعالیت خود- اواخر سال ۱۳۳۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲- با سایر احزاب و سازمان‌های سیاسی ارتباط داشت. این ارتباط در راستای اهداف حزب و یا مواضع موافق و مخالف در قبال برخی تحولات و اتفاقات از رابطه مسالمت‌آمیز و دوستانه تا برخورد و درگیری در نوسان بوده است. حزب توده، حزب سومکا و... از جمله احزاب و گروه‌هایی بودند که در ارتباط بیشتر با حزب پان ایرانیست قرار داشتند. رابطه حزب پان ایرانی است با این احزاب از همراهی آشکار و فراگیر تا مخالفت و جدایی و درگیری با آن‌ها در نوسان بوده است. زمینه‌ها و دلایل این رفتار سیاسی متفاوت است و تحت تأثیر دو آرمان حزبی حزب پان ایرانی است یعنی ناسیونالیسم و پادشاهی و موضع گیری دو حزب مذکور در قبال اتفاقات و جریان‌های سیاسی مانند حمایت از دولت مصدق و نیز ملی شدن صنعت نفت قرار داشت.

واژگان کلیدی: حزب پان ایرانی است، حزب سومکا، حزب توده، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دکتر مصدق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی از دانشگاه تربیت معلم تهران Parisanoroozi81@yahoo.com

## مقدمه

ورود متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه فضای سیاسی نوینی را در کشور به وجود آورد که از ویژگی‌های آن می‌توان فقدان دولت مرکزی مقتدر و رقابت شدید سه قدرت سلطه‌گر بیگانه‌گر را (آمریکا، انگلستان، شوروی) در صحنه سیاسی ایران نام برد. در نتیجه فضای سیاسی نسبتاً باز و دخالت‌های بیگانگان برای اعمال نفوذ در امور کشور، احزاب و مطبوعات به فعالیت پرداختند. اغلب این احزاب و مطبوعات تحت نفوذ مستقیم یا غیرمستقیم قدرت‌های استعمارگر بودند و از جمله مهم‌ترین ابزار رقابت آنان به شمار می‌آمدند. اوضاع بحران زده و آشفته پس از شهریور ۱۳۲۰ نتیجه مستقیم اشغال کشور توسط متفقین بود. در این اوضاع، محمدرضا شاه هنوز جوان و کم تجربه بود و تلاش خود را در جهت تثبیت موقعیت سیاسی خود و نیز احیای قدرت سلطنت متمرکز کرده بود. دغدغه اکثر دولت‌های این دوران خروج نیروهای بیگانه از کشور و سامان دادن به اوضاع بود، که موفق به انجام این مهم نمی‌شدند و به زودی برکنار می‌شدند. در چنین اوضاعی بود که سازمان پان‌ایرانیست مانند احزاب دیگر وارد عرصه فعالیت سیاسی شد. این حزب در واقع زائیده اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه ایران پس شهریور ۱۳۲۰ بود. عوامل شکل‌گیری این سازمان را می‌توان چنین دانست: ۱- حضور متفقین در کشور ۲- فعالیت‌های حزب توده به عنوان حزبی کمونیستی و طرفدار شوروی ۳- ایجاد نوعی احساسات ملی‌گرایی و نژادگرایی افراطی ۴- بروز حرکت‌های تجزیه طلبانه و آزادی خواهانه به خصوص در شمال کشور.

در اواخر سال ۱۳۳۰ حزب پان ایرانی است از دل سازمان پان‌ایرانیست تشکیل گردید. محسن پزشکیور، محمدرضا عاملی‌تهرانی و دیگر همفکرانشان پس از جدایی از سازمان با حزب نبرد ایران به رهبری داریوش فروهر ائتلاف کردند و حزب ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیست را تشکیل دادند. اما این ائتلاف طولی نکشید و به زودی دو گروه از هم جدا شدند. مهم‌ترین عامل جدایی دو گروه را می‌توان تفاوت در روش و عملکرد آنان دانست. بدین ترتیب حزب ملت بر بنیاد پان‌ایرانیست توسط فروهر رهبری می‌شد و محسن پزشکیور و دیگران حزب پان‌ایرانیست را به وجود آوردند.

حزب پان‌ایرانیست از ملی شدن صنعت نفت به عنوان اقدامی در جهت کوتاه کردن دست استعمارگران و حمایت از منافع ملی حمایت و پشتیبانی کرد و در نشریات خود به تمجید از این اقدام دکتر مصدق پرداخت. رهبران حزب از آغاز این حرکت تا پیروزی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و نخست‌وزیری مجدد مصدق از وی و اقداماتش حمایت کردند و این حمایت را به صورت: شرکت در تظاهرات، برگزاری سخنرانی‌ها، انتشار نشریات و اعلامیه‌ها نشان دادند.

حزب پان‌ایرانیست از لحاظ فرهنگی، بیشترین فعالیت خود را در نشر افکار پان‌ایرانیستی و تلاش در جهت جذب افراد به ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان مصروف می‌نمود. از لحاظ سیاسی هم حزب، زد و خورد و درگیری با حزب توده و حزب سومکا را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بود. علت این درگیری‌ها را در سالهای قبل از ملی شدن صنعت نفت و نخست‌وزیری مصدق می‌توان ناشی از تفاوت‌های ایدئولوژیکی و

مرامی این احزاب و نیز فعالیت‌های حزب توده در جهت منافع کشور شوروی دانست. در دوران ملی شدن صنعت نفت هم، مخالفت حزب توده با این اقدام و دشمنی آنان با مصدق، علت درگیری بین این دو گروه بود به طوری که سراسر تاریخچه حزب پان‌ایرانیست از درگیری با حزب توده پر شده است. به نظر می‌رسد که حزب پان‌ایرانیست، تلاش برای ایفای نقش مهمی در رویدادها، درگیری با حزب توده، حمایت از مصدق به ویژه در واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و انتشار افکار ملی‌گرایی در کشور را در پرونده خود دارد. چنین به نظر می‌رسد حزب پان‌ایرانیست به رغم تلاش‌های فراوان برای بسط و گسترش دامنه نفوذ و فعالیت‌های خود موفقیت چندانی بدست نیاورد.

مسأله همکاری حزب پان ایرانی است با دیگر احزاب، به وقایع ملی شدن صنعت نفت باز می‌گردد که حساسیت بسیاری را در سطح سیاسی کشور برانگیخته بود.<sup>۱</sup>

**حزب سومکا:** از لحاظ ایدئولوژی شباهت بسیار به حزب پان‌ایرانیست داشت و در واقع از این حزب الگو گرفته بود. بسیاری از اعضای حزب سومکا در گذشته جزء حزب پان‌ایرانیست بودند و با آنان همکاری می‌کردند. به لحاظ فعالیت‌های سیاسی حزب سومکا به مانند حزب پان‌ایرانیست با توده‌یها مخالف بوده و به درگیری خیابانی با آنان می‌پرداخت. مثلاً آنان به همراه حزب پان‌ایرانیست در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۳۱ به خانه صلح (یکی از مراکز وابسته به حزب توده ایران) حمله نمودند که در مقابل حزب توده برای «مقابله با گروه‌های مقاومت تشکیل داد و طی اعلامیه‌ای به نخست‌وزیر -مصدق- موجودیت کمیته جوانان دموکرات زحمتکش ایران را اعلام نمود و علت آنرا حملات مکرر پان‌ایرانیستها و سومکایی‌ها به حزب توده اعلام نمودند»<sup>۲</sup>. هرچند همکاری‌های بین این احزاب در جهت مبارزه با حزب توده صورت می‌گرفت اما حزب سومکا اصولاً حزبی نازیستی بود و به گفته پان‌ایرانیستها، «کارگردانان پشت پرده این حزب و نیز حزب آریا را تنها برای لجن مال کردن پان‌ایرانیستها پایه‌گذاری کرده بودند و آنرا به شکل کاریکاتورهایی از حزب نازی به میدان فرستاده تا هم مردم را نسبت به پان‌ایرانیستها راستین بدبین و سردرگم کنند و هم با دادن شعارهایی شبیه به شعارهای پان‌ایرانیستها با تمام قوا با دکتر مصدق مخالفت کنند»<sup>۳</sup>.

عده‌ای نیز مدعی شدند که حزب سومکا به یاری انگلیسی‌ها و برای مقابله با حزب پان‌ایرانیست تشکیل گردیده است.<sup>۴</sup>

درگیری‌هایی نیز بین پان‌ایرانیستها (اعضای سازمان پان‌ایرانیست حزب ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیست و حزب پان‌ایرانیست) روی می‌داد. به عنوان مثال در روز ۲۸ خرداد ۱۳۳۱ بین اعضای حزب ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیست و اعضای حزب سومکا درگیری رخ داد.<sup>۵</sup> روز ۱۵ دی ۱۳۳۱ در حدود ساعت ۸:۳۰ صبح

۱. بختیاری، حزب پان‌ایرانیست به روایت اسناد، ص ۷۶.

۲. عزیزی، حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا)، ص ۳۶۰.

۳. انقطاع، پان‌ایرانیستها و پنجاه سال تاریخ، ص ۵۸.

۴. عزیزی، همان، ص ۵۲.

۵. همان، ص ۲۸۴.

در میدان بهارستان، میان گروهی از افراد حزب سومکا و حزب پان ایرانیست زد و خوردی صورت گرفت که طی آن چند نفر زخمی شدند. علت این درگیری را پیوستن عده‌ای از اعضای سومکا به حزب پان ایرانیست نوشته‌اند.<sup>۱</sup>

**حزب توده:** این رابطه از همان ابتدای تأسیس مکتب پان ایرانیست در ۱۵ شهریور ۱۳۲۶ در یک محور قرار داشت و آنهم زد و خورد و درگیری بود. حزب پان ایرانیست در ابتدا «تمام نیروی خود را مصروف مبارزه با حزب توده می‌کرد».<sup>۲</sup> در طی سالهای فعالیت جبهه ملی این زد و خوردها و درگیری‌ها شدید و خونین‌تر شد و اکثر گردهمایی‌ها، تظاهرات و مراسم برگزار شده به زد و خورد بین این دو گروه تبدیل می‌گشت این برخوردها تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به همان شدت ادامه یافت. «در واقع یکی از اهداف و استراتژی‌های حزب پان ایرانیست مبارزه با حزب توده بود».<sup>۳</sup> این مبارزه در سراسر کشور و در تمام ارگان‌ها و نهادهایی که دو گروه در آن‌ها حضور داشتند رخ می‌داد. بعضاً «تنها برنامه و هدف حزب پان ایرانیست را مبارزه با کمونیسم و سوسیالیسم دانسته‌اند».<sup>۴</sup> مهم‌ترین دلایل درگیری این دو گروه را می‌توان در عوامل زیر جستجو کرد:

۱. نخستین علت درگیری‌ها را باید در اشغال ایران و حضور بیگانگان در کشور و احساسات ناسیونالیستی تند ایجاد شد. در مردم که خواهان استقلال کامل کشور و اخراج بیگانگان بودند، دانست. در این میان حزب توده که فعالیت‌های خود را در ایران در راستای اهداف شوروی دنبال می‌نمود به عنوان دشمن استقلال کشور و مزدور بیگانه مورد تنفر پان ایرانیست قرار گرفت. «پان ایرانیستها توده‌ایها را حزب ضد ایرانی و اندیشه کمونیست را اندیشه غیر ایرانی می‌دانستند که سوغات بیگانگان بوده و آن‌ها با استفاده از این احزاب و افکار می‌خواستند ملت ایران را نابود سازند و حس ناسیونالیستی ملت ایران را از بین ببرند. زمینه را برای سلطه قدرت‌های بیگانه فراهم سازند».<sup>۵</sup>

۲. به دلیل ضد ناسیونالیستی بودن اندیشه‌های کمونیستی، حزب پان ایرانیست که بر مبنای نژاد بوجود آمده بود به صورت افراطی با کمونیسم به مبارزه پرداخت و به همین دلیل به حزب توده و اعضای آن که طرفدار ایدئولوژی انترناسیونالیسم بودند، اعلام جنگ و مبارزه داد و بارها میان طرفداران این عقیده با گروه‌های طرفدار حزب توده درگیری‌هایی بوجود آمد که منتهی به مجروح و زخمی شدن تعدادی از افراد دو طرف می‌شد».<sup>۶</sup> حزب پان ایرانیست در برابر اندیشه مارکسیسم اندیشه ناسیونالیسم را ارائه می‌نمودند.

۱. مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۰۳۶۹۰۴

۲. کاتوزیان، مصدق و مبارزه برای قدرت ایران، ص ۱۱۱.

۳. رزمجو، حزب پان ایرانیست، ص ۱۳۲.

۴. مهربان، بررسی مختصر احزاب بورژوازی لیبرال در مقابله با جنبش کارگری انقلابی ایران، ص ۱۴۴.

۵. روزنامه خاک و خون، شماره ۲۲۷، سال ۱۳۴۴، ص ۷.

۶. نجمی، خاطرات سیاسی از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۱۶۳.

پان‌ایرانیست‌ها اعلام نمودند: که کوشش ما بر آن است که با اندیشه‌های ضد ناسیونالیستی در هرچهره‌ای که باشد خواه به صورت مکتب‌هایی که مارکسیست و کمونیست را یاری می‌دهد «خواه به چهره عوام فریبانانی که از لجام گسیختگی در لباس لیبرالیسم قرن نوزده دفاع می‌کنند بستیزیم».<sup>۱</sup>

۳. از نظر فعالیت حزب پان‌ایرانیست، سالهای ۲۸-۱۳۲۷ سالهای شکوفایی اندیشه آن بود و چون تا آن زمان هیچ سازمان سیاسی که دارای ایدئولوژی باشد در برابر حزب توده در پهنای اجتماع نبود<sup>۲</sup> تا رود روی آن حزب بایستد، سران حزب توده تصمیم به سرکوبی این تشکیلات نوپا گرفتند تا هر چه زودتر آنرا از میدان به درکنند.

۴. به نظر می‌رسد پان‌ایرانیستها سیاست مقابله با حزب توده را «برای مطرح کردن خود انتخاب کرده بودند زیرا ستیز با حزب توده آنها را در سطح جامعه معرفی می‌کرد. همچنین می‌خواستند نظر مردم را که در آن موقعیت، احساساتی بیگانه ستیز داشتند به سوی خود جلب کنند».<sup>۳</sup>

۵. همراهی حزب پان‌ایرانیست با جبهه ملی که مهم‌ترین نمود خارجی این همراهی درگیر شدن اعضای حزب پان‌ایرانیست با هواداران حزب توده و موضع‌گیری در مقابل این حزب بود و عملاً پان‌ایرانیستها را در موافقت با جبهه ملی و ضدیت با حزب توده قرار داده بود.

۶. بعضی‌ها هم زد و خوردهای حزب پان‌ایرانیست با حزب توده را ناشی از تحریکات دربار و استعمارگران انگلیس و آمریکا دانسته‌اند که «علناً در خیابان‌ها به شرارت و زدو خورد و ایداء مردم، حمله به سازمان‌های وابسته به حزب توده ایران، به آتش کشیدن آن‌ها، برهم زدن بساط روزنامه فروشی‌هایی که نشریات دسته چپی می‌فروختند، می‌پرداختند».<sup>۴</sup> آنچنان که از گزارش‌های سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) در ایران معلوم می‌شود «عوامل رکن دوم ستاد ارتش با سازمان پان‌ایرانیستی ارتباط داشتند و محمدرضا شاه نسبت به پان‌ایرانیستها و عملیات آن‌ها برضد حزب توده علاقمندی نشان داده و حتی پزشکپور و بهداد را در روز ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۱ دعوت به ملاقات کرده است. به گفته پزشکپور، آنان این پیشنهاد شاه را نپذیرفته و گفته‌اند که مبارزه با کمونیسم را صرفاً به عنوان وظیفه‌ای که هر ایرانی راستین برعهده دارد ادامه می‌دهند».<sup>۵</sup> همچنین درباره نقش آمریکائیان در اختلاف حزب پان‌ایرانیست با حزب توده، گازیورسکی «به فعالیت شبکه بدامن اشاره می‌کند که توسط رهبر مرموز (سیا) سرپرستی می‌شد و هدایت پان‌ایرانیستها را برعهده داشت»<sup>۶</sup> و با دادن پول به «گروه‌های ضد کمونیستی از جمله حزب پان‌ایرانیست و حزب سومکا گرد همائی‌های حزب توده برهم می‌خورد و ضد و خوردهای خیابانی با این حزب ایجاد می‌شد».<sup>۷</sup>

۱. روزنامه خاک و خون، شماره ۱۷۷، سال ۱۳۴۴، ص ۲.

۲. مصاحبه با هوشنگ طالع مورخ ۸۷/۴/۲۱ و نیز انقطاع، همان، ص ۲۹.

۳. رزمجو، همان، ص ۱۳۴.

۴. جامی، گذشته چراغ راه آینده، ص ۴۶۴.

۵. نجاتی، مصدق و سالهای مبارزه و مقاومت، ج ۱، ص ۱۵۱.

۶. گازیورسکی، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۵۵.

۷. گازیورسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۷۰-۱۶۹.

در درگیری‌ها و زد و خوردهایی که بین حزب توده و حزب پان‌ایرانیست بوجود می‌آمد عوامل انگلستان و آمریکا بهره برداری می‌کردند.<sup>۱</sup> حزب پان‌ایرانیست در اعلامیه‌ها و نشریات خود توده‌ایها را نوکران روس، بلشویکهای مزدور معرفی می‌کرد<sup>۲</sup> و در نشریات خود نمونه‌هایی از سران و بزرگان کمونیستی را در کشورهای مختلف که سرانجام توسط رؤسای سران کمونیست در مسکو متواری و مجازات شده بودند، ذکر می‌کردند.<sup>۳</sup> هدفشان از این کار درس گرفتن و عبرت آموزی کسانی بود که به کمونیست‌ها تمایل و گرایش پیدا کرده و یا درصدد این کار بودند. پان‌ایرانیستها همچنین داستان‌هایی مبنی بر ضد اسلامی بودن کمونیست‌ها و ممانعت آنان از انجام مراسم دینی و مذهبی مردم مسلمان سرزمین‌های اسلامی چون ازبکستان و... را بیان می‌نمودند و تصاویری از مسجد مسلمانان در شوروی و دیگر جاها به نمایش گذاشته که در زیر آن تصویر نوشته بود، «کسی جرأت ندارد برای فرامین دینی وارد خانه خدا شود».<sup>۴</sup> در سندی دیگر نوشته شده که «متجاوز از سی سال است که فرزندان اسلام در آن کشور کفر و الحاد مقهور و وحشیانه‌ترین عذاب‌ها و شکنجه‌ها شده‌اند و کمونیست‌های خدانشناس در کشور شوروی فرزندان اسلام را تحت عذاب، شکنجه، بندگی و بردگی قرار داده و آنان را به فجیع‌ترین وضع به هلاکت رسانده‌اند و تنها گناه آن‌ها این بوده که نمی‌خواهند از ایمان خود به اسلام دست بردارند و مرام کمونیسم را که قاتل به خدای متعال نیست مذهب خویش قرار دهند... و به جای پرستش خدای یگانه پرستش لنین و استالین را ترویج کنند».<sup>۵</sup>

اسناد فوق نشان می‌دهد که پان‌ایرانیستها در مبارزات خود علیه حزب توده علاوه بر دست گذاشتن بر مرام و منش این حزب و به چالش کشیدن آرمان‌ها و شعارهای توده‌ایها مثل «برابری، جامعه بدون اختلاف طبقاتی، صلح و آرامش، رفاه، آزادی و رهبری طبقه کارگر»<sup>۶</sup> و نیز وابستگی تشکیلاتی حزب توده به سازمان کمونیستی شوروی، از اسلام به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاویزها برای مبارزه با حزب توده استفاده می‌کردند. برای نمونه در بیانیه‌ای بر علیه کمونیست‌ها و توده‌ایها، حزب پان‌ایرانیست از «همه مسلمانان می‌خواهد که از سرنوشت برادران خود در بهشت کمونیست روس عبرت بگیرند و فریب این بهشت دروغین را نخورند».<sup>۷</sup> در مقابل این اقدامات، حزب توده نیز ساکت ننشسته و به اقدامات متقابلی دست می‌زد. این حزب در نشریات خود پان‌ایرانیستها را نژادپرست، فاشیست، هیتلری معرفی می‌نمود و برای منحرف کردن افکار مردم، همه جا احزاب آریا و سومکا را با پان‌ایرانیستها یکی معرفی می‌کرد و «همه را

۱. عظیمی، حاکمیت ملی و دشمنان آن، ص ۱۵۲.

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۱۴.

۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۰۵.

۴. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۰۶.

۵. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۰۷.

۶. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۰۸؛ ۰۱۴۶۷۰۰۷.

۷. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۰۸.

جوجه فاشیست می‌نامید».<sup>۱</sup> در اثر اختلاف و دشمنی، زد و خوردهایی بین اعضای هر دو حزب روی می‌داد که نمونه‌هایی از آن‌ها به ترتیب وقوع ذکر می‌شود:

۲۳ تیر ۱۳۳۰: حزب توده تظاهرات بزرگی به مناسبت بزرگداشت اعتصاب کارگران آبادان که پنج سال پیش‌تر (۲۳ تیر ۱۳۲۵) صورت گرفته بود به راه‌انداخت که این تظاهرات با ورود آوریل هریمن همزمان شد و در واقع هدف اصلی این تظاهرات مخالفت توده‌ایها با آمریکا و اعتراض به ورود هریمن بود. تظاهرات و گردهمایی توده‌ایها «در همین روز در میدان بهارستان به خاک و خون کشیده شد و افرادی که با چوب و چماق و خنجر و دشنه در محل حزب پان ایرانی است جمع شده بودند به همراهی افراد احزاب دیگر به گردهمایی حمله کرده که در اثر این زد و خورد عده زیادی کشته شدند».<sup>۲</sup>

۱۴ آذر ۱۳۳۰: یکی دیگر از اقدامات حزب توده برای ضربه زدن به دولت مصدق برپایی تظاهرات خشونت بار ۱۴ آذر بود که در نتیجه آن دولت مصدق مورد انتقاد جناح‌های چپ و راست مجلس قرار گرفت. «و در مجلس هتاک‌های زیادی توسط عبدالقدیر آزاد، جمال امامی و... نسبت به مصدق انجام گرفت».<sup>۳</sup> ماجرای ۱۴ آذر از آنجا اتفاق افتاد که حزب توده اعلام داشت در این روز با عنوان اعتراض بر علیه تصنیفات دولت و تعطیلی دانشگاه تظاهرات و راهپیمایی برپا خواهد کرد (که البته این بار بهانه این حزب اعتراض به اخراج چند نفر دانشجو و دانش آموز بود) و با آنکه شهربانی از چند روز پیش مکرر اعلام کرد که از این تظاهرات جلوگیری خواهد نمود و مسئولیت هر اتفاقی که بیفتد بر عهده تظاهرات کنندگان است و با آنکه «معلوم بود که بعضی عناصر و سازمان‌ها چه در داخل و چه در خارج جبهه ملی خود را آماده مقابله با حزب توده و ضرب شست نشان دادن به آن می‌نمایند، حزب توده تظاهرات را به راه‌انداخت، که به زد و خورد با پلیس منجر و طی آن ۵ نفر کشته و دویست نفر زخمی شدند».<sup>۴</sup> در این بین مخالفان حزب توده شامل چاقوکشان و قداره بندان حزب زحمتکشان بقائی همراه با پان ایرانیستها و اعضای سومکا و اوباشان مستقر در حزب با چوبدستی و میله‌های آهنی دسته جمعی با شعارهای مرگ بر حزب توده، زنده باد مصدق، زنده باد جبهه ملی به خیابان‌ها ریختند و تمام روزنامه‌های وابسته به حزب توده و چاپخانه‌ها و کیوسک‌های فروش نشریات حزب توده را به آتش کشیدند و تحت حمایت گارد و شهربانی به هر کتاب فروشی که کتاب‌های مارکسیستی و توده‌ای می‌فروختند، حمله می‌کردند.<sup>۵</sup> در درگیری‌های این روز «باشگاه جمعیت هواداران صلح، محل کانون جوانان دموکرات، جمعیت آزادی، جمعیت مستأجرین و

۱. انقطاع، همان، ص ۵۸.

۲. مهربان، همان، صص ۹-۶۸.

۳. زعیم، جبهه ملی ایران از پیدایش تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۱۹۶.

۴. نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۲۰۶.

۵. موحد، خواب آشفته نفت، ج ۱ و ۲، ص ۳۹۲؛ سبحانی، مصدق، دولت ملی و کودتا، ص ۸۷؛ جامی، همان، ص ۶۱۰؛ مهربان، همان، ص ۷۲.

جمعیت مبارزه با استعمار، چاپخانه روزنامه به سوی، ادارات روزنامه‌اتش، طلوع، ستاره صلح، زنان نو، آزادی ایران و چلنگر ویران گردید و یا به‌اتش کشیده شد.<sup>۱</sup>

۳ بهمن ۱۳۳۰: در این روز انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی برگزار گردید و توده‌ایها بسیار کوشیدند تا در این انتخابات اعمال نفوذ کنند و نمایندگان خود را به مجلس راه دهند «اما پان‌ایرانیستها به همراه دیگر طرفداران جبهه ملی بسیار کوشیدند و نگذاشتند که توده‌ایها به اهداف خود برسند».<sup>۲</sup>

۸ فروردین ۱۳۳۱: در این روز بین اعضای دو گروه بر سر حمایت از مصدق و جانبداری از وی از طرف حزب پان‌ایرانیست درگیری و زد و خورد بوجود آمد و این زد و خورد چنان بود که «دولت مصدق برای نخستین بار از زمان شروع کار خود در تهران حکومت نظامی برقرار کرد».<sup>۳</sup>

حزب توده برای مقابله با افراد اعضای احزاب پان‌ایرانیست و سومکا به‌افراد خود دستور داد که مسلح باشند و با خود چاقو، پنجه بکس همراه داشته باشند.<sup>۴</sup> همچنین حزب توده اقدام دیگری نیز انجام داد و آن تشکیل کمیته جوانان دموکرات زحمتکش ایران برای مقابله با حزب پان‌ایرانیست بوده که موجودیت آن را نیز رسماً طی اعلامیه‌ای به دولت اعلام نمود.<sup>۵</sup>

شاید تنها در سی تیر ۱۳۳۱ بود که به قول منابع «تمام احزاب و گروه‌ها بصورت همصدا و در کنار هم به طرفداری از مصدق به خیابان‌ها ریختند و دشمنی‌ها را به فراموشی سپردند».<sup>۶</sup> بعد از قیام سی تیر نیز «حزب پان‌ایرانیست به همراه دیگر احزاب، چاقوکشان عضو خود را در خیابان‌ها به راه می‌انداختند و به سازمانها دولتی، روزنامه‌فروشی‌ها و نشریات دسته چپی حمله می‌کردند و آن‌ها را آتش می‌زدند».<sup>۷</sup> علاوه بر زد و خورد و درگیری‌های بین دو حزب در تهران، در شهرستان‌ها نیز نمونه‌هایی از این زد و خوردها مشاهده می‌شود. برخی از این درگیری‌ها به شرح زیر می‌باشد.

سوم بهمن ۱۳۳۱ در اهواز: عده‌ای از افراد حزب پان‌ایرانیست به بنگاه مطبوعاتی کوشا که چندی قبل توسط اسکندرنامی افتتاح شده بود و اغلب روزنامه‌های دست چپی از جمله، به سوی شهباز، جوانان دموکرات و سوگند را به فروش می‌رسانید، حمله و مقداری از روزنامه‌ها را پاره کردند. رهبر پان‌ایرانیستها در این درگیری فردی به نام حسین طیب بود. در نتیجه این یورش، اسکندری طی نامه‌ای به مصدق -نخست وزیر- شکایت خود را از این چپاول پان‌ایرانیستها و نیز حمایت مأمورین شهربانی از آنان را اعلام و خواستار مجازات هر دو گروه شد.<sup>۸</sup>

۱. خامه‌ای، خاطرات سیاسی (پنجاه نفر و سه نفر)، صص ۹۱۷-۹۱۶.

۲. زعیم، همان، ص ۳۰۲.

۳. عظیمی، بحران دموکراسی در ایران، ص ۳۷۹؛ ذبیح، ایران در دوره مصدق، ص ۲۶۰.

۴. عزیزی، همان، ص ۳۳۰.

۵. مرکز اسناد ملی، سند شماره ۸۷۵۱

۶. نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۲۲۸.

۷. مجتبی زاده، لومپن‌ها در سیاست عصر پهلوی، ص ۸۱

۸. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۲۰؛ ۰۱۴۶۷۰۱۹؛ ۰۱۴۶۷۰۲۷؛ ۰۱۴۶۷۰۲۸؛ ۰۱۴۶۷۰۲۹



در همین شهر در روز ۴ بهمن ۱۳۳۱ در دبیرستان حسابی بین عده‌ای از دانش آموزان وابسته به حزب پان ایرانیست و توده‌ایها زد و خوردی رخ داد که طی آن بهلول نامی توسط رحیم زاده و شریف از پان ایرانیست‌ها زخمی شد. این درگیری با دخالت مأمورین انتظامی پایان گرفت. در مورد علت ین درگیری گفته شد که اولیاء دبیرستان از مهاجمین و چاقوکشان پان ایرانیستی حمایت می‌کردند.<sup>۱</sup> در روز ۱۹ فروردین ۱۳۳۱ در بابل بین «توده‌ایها و اعضای حزب پان ایرانیست زد و خورد و درگیری صورت گرفت که طی آن چند نفر از پان ایرانیستها توسط توده‌ایها مجروح شدند».<sup>۲</sup>

همچنین بر طبق گزارش واصله از ژاندارمری بابل عده‌ای از افراد حزب در روز ۱ آبان ۱۳۳۱ عده‌ای از افراد حزب پان ایرانیست حمله و اقدام به کتک کاری و چاقوکشی نمودند که منجر به مجروح شدن عده‌ای و مداخله مأموران شد.<sup>۳</sup>

در همین شهر در ساعت ۶:۵۰ صبح روز ۳۱ مرداد ۱۳۳۱ عده‌ای برای نزاع با افراد حزب پان ایرانیست با تهیه چوب و سنگ آماده و در جلوی اداره پست اجتماع نمودند. علت حمله این بود که جمشید قانون و رمضان سیاه و محمد حجازی و علی حدادی به نام اینکه پان ایرانیستها حزب شاه هستند باید از بین بروند.<sup>۴</sup>

در روز ۲۹ اسفند ۱۳۳۱: ۶ نفر از پان ایرانیستها که برای تفریح به بابلسر رفته بودند مورد تعرض و هجوم دسته‌ای از منتسبین به حزب توده واقع شدند که در نتیجه آن به چشم یک نفر از پان ایرانیستها به نام افشار صدمه وارد و سربکی از اهالی که بی طرف بود مجروح شد و شهربانی دخالت نمود که جوانان پان ایرانیست کتباً خواستار تعقیب قضیه شدند و به بابل مراجعت کردند.<sup>۵</sup>

قزوین ۸ بهمن ۱۳۳۱: گروهی از توده‌ایها به دفتر پان ایرانیستها در این شهر حمله کردند و اثاث و پرونده‌های آن‌ها را به خیابان ریختند. پان ایرانیستها پس از آگاهی از ماجرا به رویارویی برمی‌خیزند و کار به زد و خورد و درگیری خونین میان دو گروه می‌کشد که در نتیجه آن فضای شهر متشنج و اداره شهربانی از برقراری نظم ناتوان شده و حکومت نظامی اعلام می‌کند.<sup>۶</sup>

۱۸ بهمن ۱۳۳۱: اختلاف بین اصناف بازار و حزب پان ایرانیست که منجر به هجوم اصناف به کلوپ پان ایرانیست و شکستن و از بین بردن لوازم شد. در این درگیری افراد حزب توده نقش داشتند.<sup>۷</sup> به نظر می‌رسد علت این درگیری اهانت پان ایرانیستها به آقای صفائی مقدم بود. پان ایرانیستها معتقد بودند صفائی مقدم انتخابات شهرداری را به نفع طرفداران خود انجام داده و به دستور وی بوده است که مردم بازار و

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۱۴۶۷۰۲۶؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، صص. ۱۴۶ و ۱۴۸.

۲. مرکز اسناد ملی، سند شماره ۲۹۰۰۰۸۴۵۰

۳. همان.

۴. مرکز اسناد ملی، سند شماره ۲۹۰۰۰۰۷۳۲

۵. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۰۰۰۸۴۵۰

۶. مرکز اسناد ملی، سند شماره ۲۹۳۰۰۲۴۲۱

۷. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، همان، صص ۱۵۱، ۱۵۳.

کارگران کارخانجات و حزب توده به تخریب خانه و کلوپ حزب پان ایرانیست پرداختند. البته مهم‌ترین دلیل حمله به صفائی مقدم، طرفداری وی از حزب توده بود.<sup>۱</sup> در پس این اقدام محمدرضا عاملی تهرانی که در این زمان نیابت دبیر مسئول حزب پان ایرانیست را برعهده داشت، طی نامه‌ای به مصدق، از دولت تقاضای مجازات و سرکوبی حزب توده را کرد.<sup>۲</sup>

رامهرمز: ۱۶ و ۲۷ خرداد ۱۳۳۱: بین تئی چند از اعضای حزب پان ایرانیست و منتسبین به حزب منجمله توده نزاعی روی داد که طی آن چند نفر از هر دو طرف مجروح شدند. مسبب این درگیری آقای آذر احیاء- متصدی آموزشگاه روستایی و از عناصر فعال حزب توده- و نوربخش رحیم‌زاده- از اعضای فعال حزب پان ایرانیست- بودند که چند روزی نیز زندانی شدند.<sup>۳</sup>

پس از این واقعه، رحیم زاده سرپرست حزب پان ایرانیست در رامهرمز در نامه‌ای به مصدق اعلام می‌دارد که عده‌ای از افراد حزب متبوعش در تلگراف خانه به نشانه شکایت و اعتراض نسبت به حمله حزب توده بی‌دین و بی‌وطن و اخلال گران حزب ایران که از کمک مستقیم شهربانی بهره مند بودند تحصن نمودند و تقاضای رسیدگی به تجاوزات رئیس شهربانی و حامیان توده و حزب ایران توسط دولت را دارند.<sup>۴</sup>

گنبد کاووس ۲۲ بهمن ۱۳۳۱: بین علمی- نماینده فرهنگ گنبد کاووس - که وابسته به حزب پان ایرانیست بود و آموزگاران توده‌ای درگیری بوجود آمد که علت اصلی آن درگیری، اختلاف در اصول و مرام حزبی بود.<sup>۵</sup> علاوه بر موارد ذکر شده بین افراد دو حزب مذکور در دیگر شهرها و استان‌های کشور درگیری وجود داشت.<sup>۶</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. اسناد مجلس شورای اسلامی، سند شماره ۱۳۷۲۳.
۲. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، همان، صص ۱۶۱-۱۶۲.
۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد شماره ۰۱۴۶۷۰۳۸، ۰۱۴۶۷۰۳۹.
۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، همان، صص ۱۶۵.
۵. مرکز اسناد ملی: سند شماره ۰۲۹۰۰۰۰۶۴.
۶. مرکز اسناد ملی، اسناد شماره ۰۲۹۰۰۰۶۸۷۶؛ ۰۲۹۰۰۰۶۸۷۹؛ ۰۲۹۰۰۰۶۵۰۷؛ ۰۲۹۰۰۰۷۱۳۰؛ ۰۲۹۰۰۰۵۱۱۰.

### نتیجه‌گیری

حزب پان ایرانی است که در نتیجه شرایط سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ تشکیل گردید، یکی از چند ده حزبی بود که خواه ناخواه با مسائل سیاسی عمده کشور در آن زمان درگیر شد. مسایلی از قبیل اشغال ایران توسط کشورهای درگیر در جنگ، بی ثباتی سیاسی کشور، اختلافات عمیق ایران و انگلیس بر سر نفت و اختلافات ایران و شوروی بر سر مداخلات علنی این کشور در امور ایران و حمایت از حرکت‌های تجزیه طلبانه و غیره باعث شده بود تا همه احزاب و گروه‌های سیاسی به دنبال ایفای نقش باشند. این فعالیت‌ها، به ناچار احزاب را نیز به هم مرتبط می‌ساخت. ارتباط احزاب در این مرحله از اتفاق و اتحاد بر سر مسائل حیاتی کشور تا جدایی و درگیری با هم در نوسان بود. حزب پان ایرانی است در دوره مورد بحث با احزاب و سازمان‌های زیادی در ارتباط حسنه و غیر حسنه بود. احزاب سومکا و توده از جمله احزابی بودند که حزب پان ایرانی است از ابتدا رابطه خوبی با آن‌ها نداشته و پیوسته در درگیری و زد و خورد با آن‌ها به سر می‌برده است. مهم‌ترین دلایل این رابطه خصومت آمیز تحت تأثیر مواضع این سه حزب قرار داشت. حزب پان ایرانی است در مسائل داخلی خواهان حمایت از اصل سلطنت، حمایت از دولت‌های ایرانی طرفدار منافع ملی و در مسائل خارجی به دنبال کم کردن سلطه بیگانگان، تأمین منافع ملی و حفظ استقلال کشور بود. اما مرام و اهداف احزاب سومکا و توده تحت تأثیر مسایلی بود که بعضاً نه تنها در مجموعه اهداف ملی جایی نداشتند، که ارتباط این احزاب بویژه حزب توده با دولت‌های خارجی و موضع‌گیری‌های متناقض در مقابل مسائل مهمی چون امتیازات نفتی هر چه بیشتر باعث تنخاصم حزب پان ایرانی است با آن‌ها می‌شد.

### فهرست منابع و مآخذ

#### الف) اسناد

- اسناد مجلس شورای اسلامی، سند شماره ۱۳۷۲۳.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۳۸.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۳۹.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۰۷.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۰۸.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۰۶.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۲۶.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۰۵.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۰۷.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۱۴.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۲۰.

- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۱۹.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۲۷.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۲۸.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۲۹.
- مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۲۹۰۰۰۸۴۵۰.
- مرکز اسناد ملی، سند شماره ۸۷۵۱.
- مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۲۹۰۰۰۶۸۷۶.
- مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۲۹۰۰۰۶۸۷۹.
- مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۲۹۰۰۰۶۵۰۷.
- مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۲۹۰۰۰۷۱۳۰.
- مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۲۹۰۰۰۵۱۱۰.
- مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۲۹۰۰۰۸۴۵۰.
- مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۲۹۰۰۰۰۶۴.
- مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۰۳۶۹۰۴.
- مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۲۹۳۰۰۲۴۲۱.
- مرکز اسناد ملی، سند شماره ۲۹۰۰۰۰۷۳۲.

#### ب) نشریات

- خاک و خون (تهران: ۴۸-۱۳۴۴).

#### ج) مصاحبه‌ها

- طالع. هوشنگ، (تابستان و پاییز ۱۳۸۷).

#### د) کتاب‌ها

- اسناد احزاب سیاسی در ایران. (۱۳۲۰-۱۳۴۰)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
- انقطاع، ناصر. پان ایرانیست‌ها و پنجاه سال تاریخ. تهران: شرکت کتاب، ۱۳۷۹.
- بختیاری، شهلا. حزب پان ایرانیست به روایت اسناد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
- جامی. گذشته چراغ راه آینده. بی جا، ۱۳۶۲.
- جزنی، بیژن. تاریخ سی ساله ایران. ج ۱، تهران: نشر مازیار، ۱۳۵۷.
- خامه‌ای، انور. خاطرات سیاسی (پنجاه نفر و سه نفر). تهران: نشر گفتار، ۱۳۷۲.
- ذبیح، سپهر. ایران در دوره مصلح. ترجمه محمدرفیعی مهرآبادی، چ ۲، تهران: عطایی، ۱۳۶۳.
- رزمجو، علی اکبر. حزب پان ایرانیست. چ ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.

- زعیم، کوروش. *جبهه ملی ایران از پیدایش تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*. ج ۲، تهران: انتشارات ایران، ۱۳۷۹.
- سحابی، عزت‌الله. *مصدق، دولت ملی و کودتا*. تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
- عزیزی، غلامرضا. *حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا)*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
- عظیمی، فخرالدین. *حاکمیت ملی و دشمنان آن*. تهران: نگاره آفتاب، ۱۳۸۳.
- — *بحران دمکراسی در ایران*. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران: البرز، ۱۳۷۳.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون. *مصدق و مبارزه برای قدرت ایران*. ترجمه فرزانه طاهری، ج ۲، تهران: مرکز، ۱۳۷۸.
- گازیوروسکی، مارک. *کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*. ترجمه غلامرضا نجاتی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.
- — *سیاست خارجی آمریکا و شاه*. ترجمه جمشید زنگنه، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱.
- مجتبی زاده، مهدی. *لومپن‌ها در سیاست عصر پهلوی*. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۵.
- موحد، محمدعلی. *خواب آشفته نفت*. ج ۱ و ۲، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۷۸.
- مهربان، رسول. *بررسی مختصر احزاب بورژوازی لیبرال در مقابله با جنبش کارگری انقلابی ایران*. تهران: پیک ایران، ۱۳۶۵.
- نجاتی، غلامرضا. *جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.
- — *مصدق و سالهای مبارزه و مقاومت*. ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۴.
- نجمی، ناصر. *خاطرات سیاسی از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*. تهران: نشر کلینی، ۱۳۷۰.